

Անի Շաբաթաթերթ

نهم آبان ۱۴۰۳

مجله ادبی آنی

<http://aniletters.com>

شماره ۵۱

Edward Keshishian

نخستین مجله ۵ زبانه
فارسی، ارمنی، انگلیسی،
روسی، ایتالیایی
و فرانسه در ۵۰ صفحه



مصاحبه با شاعر ایرانی ارمنی آقای ادوارد کشیشیان
اولین نویسنده جهان کیست؟
سیر تاریخی ترجمه در ایران
آینده فلسفه از نظر یک فیلسوف آمریکایی

آنی
مجله

۰۹۲۲۳۷۸۹۱۸۰

@anita_arzoomanian



مجله فرهنگی، ادبی "آنی"



Անի Շաբաթաթերթ
Հուն ԸՌԵ.ՈՒՆ.ՈՒՆ.ԸՆԸ

| | |
|------------------------------|-------|
| مقدمه..... | ۸ |
| بزرگان شعر..... | ۱۱-۱۶ |
| شعرشاعران..... | ۲۷-۳۲ |
| ادبیات ارمنی..... | ۱۹ |
| ادبیات ایران..... | ۲۵ |
| ادبیات جهان..... | ۱۷ |
| موسیقی..... | ۳۸ |
| مصاحبه..... | ۴۴-۴۸ |
| سینما..... | ۴۱ |
| تبلیغات..... | ۵-۷ |
| ترجمه استاد اجتماعی فرد..... | ۳۶ |

زاون قو کاسیان





آناهیتا در یشت پنجم
اوستا معرفی و ستایش
شده است. همچنین
اهورامزدا و زرتشت
آناهیتا را ستایش
کرده اند. این ایزدبانو
هدایتگر و نگهبان تمام
آب های جهان است.
از آنجا که آناهیتا
قدرت بسیاری دارد،
فره زرتشت به او
سپرده شد تا از آن
پاسداری کند.



جشن آبانگان جزو جشن های دوازده گانه ایران باستان
محسوب می شود که در روز دهم آبان ماه برگزار می شود.
این جشن در نکوداشت آناهیتا فرشته موکل بر آب پدید آمد
که بانویی بسیار برجسته در فرهنگ فارسی بوده است و در
اعتقاد ایرانیان باران و برف و تگرگ را به فرمان اهورا مزدا
به زمین فرو میبارد.

در آیین ایرانیان باستان ، چهار عنصر اصلی به عنوان پایه های
نخستین زندگی بسیار مقدس هستند و آلوده شدن آن ها گناه
بسیار بزرگ و نابخشودنی تلقی می شود. ایرانیان در بین چهار
عنصر اصلی پس از آتش ، آب را مهم ترین عنصر حیات
دانسته و حتی در آب روان و جاری خود را شست و شو نمی
دادند تا آب جاری ناپاک و آلوده نشود .

۷ آبان روز جهانی کوروش کبیر / بزرگترین پادشاه در تاریخ ایران

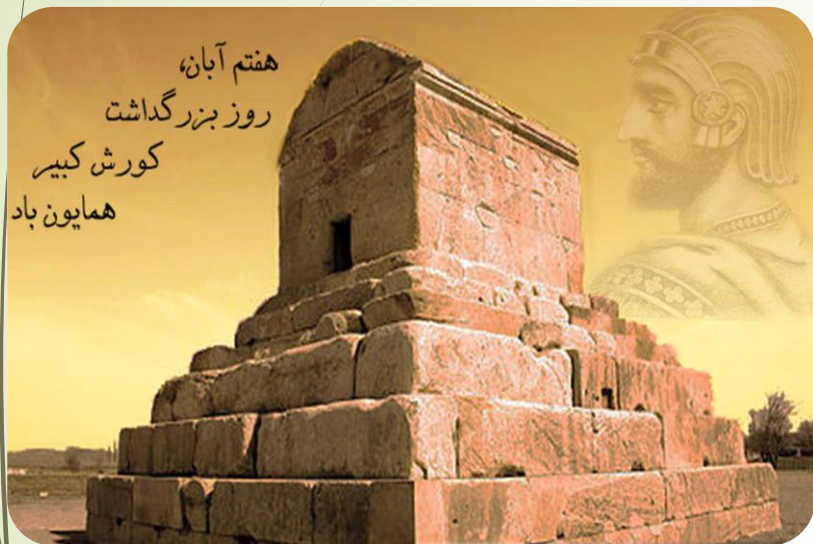
4

هفتم آبان یکی از روزهای مهم در تاریخ کشور است؛ روزی که به پاس تلاش های بزرگترین پادشاه هخامنشی به نام کوروش کبیر نامگذاری شده است.

به گزارش خبرگزاری موج، نام کوروش بزرگ یا کوروش کبیر بزرگترین پادشاه هخامنشی چنان در تاریخ ایران درخشان است که پس از گذشت هزاران سال از در گذشتش هنوز هم ردپایی از آن در گوشه ی اندیشه های بسیاری از ایرانیان دیده می شود. این نام آن چنان در خاک این سرزمین ریشه دوانده که روزی را برای بزرگداشت وی در نظر گرفته اند؛ روزی که هیچ جایی در تقویم ندارد و تنها در یاد و ذهن ساکنان این سرزمین ثبت شده است.

امروز ۷ آبان سالروز بزرگداشت بنیان گذار و نخستین شاه شاهنشاهی هخامنشی کوروش بزرگ یا کوروش کبیر است که به مدت سی سال در سال های ۵۵۹ تا ۵۲۹ پیش از میلاد، بر نواحی گسترده ای از آسیا بر قدرت تکیه زده بود.

هر کسی که در این خاک زندگی می کند به خوبی با نام کوروش هخامنشی آشناست؛ گرچه خیلی ها فقط اسمش را شنیده اند و کمتر چیزی از راه و روش زندگی و منش کشورداری وی می دانند. به بهانه این روز می خواهیم نگاهی به زندگی این پادشاه داشته باشیم.



هفتم آبان،
روز بزرگداشت
کوروش کبیر
همایون باد

هفتم آبان سال ۱۱۹۹ ایرانی برابر با ۵۳۹ پیش از میلاد در چنین روزی، کوروش بزرگ وارد بابل شد. مردم بابل گمان میکردند با حکومت کوروش بزرگ با چپاول، کشتار و دست درازی به جان و دارایی و زنانشان روبرو خواهند شد و سپس فرمانروایی زورگو و ستم گر بر آنان حکومت خواهد کرد ولی کوروش بزرگ و سربازانش نه تنها چنین نکردند بلکه او فرمان آزادی و برابری داد.

طراح وبسایت: داوود محمد کیا

[@Esher. Official](https://www.esher.com)

دسته بندی موضوعی: ادبیات

دوره انتشار: دو هفته نامه

مدیر مسئول: آنیتا- آرزومانیان

شماره: پنجاه یک

Ani



پست الکترونیکی:

www.ani.arzoomanian@yahoo.com

تلگرام:

t.me/aniletters

اینستاگرام:

[@Anita_Arzoomanian](https://www.instagram.com/Anita_Arzoomanian)

وب سایت:

[www.ani letters.com](http://www.aniletters.com)

www.anipoetry.ir

خرید، فروش و تعمیرات تخصصی
لپ تاپ و قطعات.
شماره تماس:

۰۹۱۰۱۴۴۹۹۶۶

قلم زنی و نقره سازی ادوارد

ساخت انواع منسوجات نقره
جهت سفارش با شماره تلفن های زیر
تماس حاصل فرماید.

۶۶۷۱۰۰۳۹

۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶

دکتر بهزاد هوشمند

متخصص و جراح بیماری های لته و ایمپلنت

۲۲۰۱۹۳۶۶

۲۲۰۱۹۰۷۳

قلم زنی دستی سبک تبریزی روی فلزات
گرانبها، ساخت و تعمیر انواع ظروف و زیور
آلات.

جهت سفارش با شماره تلفن زیر تماس حاصل
فرمایید.

۰۹۱۹۰۲۶۶۵۵۲

آرمن نظریانس

فروشگاه شایک، عرضه کننده البسه
مردانه، انواع پیراهن و شلوارهای مردانه.

آدرس: پاسداران، هروی، خیابان

موسوی (گلستان ۵)، مرکز خرید مایسا، طبقه

۱، رمپ ۳، پلاک R۵۸

و.... عکاسی از محصولات، ساخت ویدیو

تبلیغاتی، ساخت و طراحی لوگو، تولید

محتوای آموزشی

تلفن:

۲۶۷۵۸۰۱۷-۰۹۳۹۲۲۲۱۲۰۱

مدرس انجمن خوشنویسان ایران

7



خطاط: علی ملک

Ali.malek.art

روز جهانی هنرمند این روحیه خلاقانه را به نمایش می‌گذارد که امروز برای آینده به ثبت خواهد رسید. شوق و شغف و لذت در کرانه روح انسان به واسطه صدای یک ملودی، تلاقی رنگ و نور و نگاه در یک قاب عکس یا یک بوم نقاشی و نگاه بی‌سر و صدا از مجسمه‌ای که به ابد خیره می‌شود، به تصویر کشیده می‌شود.

روز هنرمند گرامی باد

اگر بخواهیم انصاف را رعایت کنیم، این گفتار خالی از همه جانبه‌نگری است. اگر تمام آثار شکسپیر را در نظر بگیریم، زنان فریب‌دهنده و نابودکننده مردان نیستند. بلکه در کمدهای شکسپیر زنان حتی غالباً نماینده جامعه‌ای ایده‌آل و پویا هستند؛ ولی متأسفانه زیر سلطه جامعه‌ای تک‌محور قراردارند. پس اگر در برخی نمایشنامه‌های شکسپیر زنان به تعبیر برخی منتقدین توان نابودی و تخریب هم دارند، به دلیل زن ستیزی شکسپیر نیست؛ بلکه او می‌خواهد نشان بدهد که زنان قدرتمند و باذکوتی مثل پورشیا هم می‌توانند وجود داشته باشند. زنانی با توانی افسانه‌ای، قابلیت هوشی ممتاز و نمادی از هنر و حقیقتی ناب مثل شخصیت هرمیون در کمده زمستان.

و فقط نمایشنامه اتللو اینگونه نیست و تمام آثار شکسپیر حتی غزلیات او نیز دوقطبی بودن جوامع پیش مدرن اروپایی و تقسیم شدن مردم به دو گروه حاشیه‌ای و برجسته را نشان می‌دهند. اتللو با اینکه یک فرمانده قابل است ولی به دلیل سیاه پوست بودن نمی‌تواند رشد کند. ایاگو هم به همان اندازه قربانی است و منویات راستینش را محقق نشده می‌بیند. در شاه لیر هم پرداختن به مسئله تمایز و تبعیض کاملاً مشهود است، حتی میان فرزندان یک پدر. در مکبث نیز گفتمان طبقه محور بین مکبث و شاه دانکن که نسبت خونی هم با یکدیگر دارند، به تصویر کشیده شده است.

در نمایشنامه‌های شکسپیر بارها زنان مردان را فریب داده و به ورطه نابودی می‌کشانند. آیا می‌توان این را نشانه‌ای از زن ستیزی به شمار آورد؟



1880-ական թվականներից պրոֆեսիոնալ կոմպոզիտորներն սկսում են հավաքել և մշակել հին հայկական ժողովրդական երգերը: Այդ կոմպոզիտորների թվում էին Մակար Եկմայանը, Զրիստափոր Կարա-Մուրզան և Նիկողայոս Տիգրանյանը: Այդ ժամանակաշրջանից սկսում է նաև իր գործունեությունը հայկական երաժշտության պատմության ամենակարևոր գործիչներից մեկը՝ Կոմիտասը, ով առանցքային դեր խաղաց ազգային երաժշտաոճի վերածնման գործում: Նրա բազմակողմանի գործունեությունը որոշեց հաջորդ դարերի ողջ հայկական երաժշտության հետագա զարգացման ճանապարհը: Ալեքսանդր Սպենդիարյանի գործունեությամբ սկսվում է հայկական նվագախմբի և վոկալ-նվագախմբային երաժշտության պատմության նոր շրջան (սյուլիտներ, Ղրիմյան էսքիզներ, Երեք պալմաներ և այլն):

Առաջին անգամ Երևանում անցկացվել է «Վայրի դպրոցի» երաժշտության փառատոնը

Բացառիկ միջոցառումը կամերային երաժշտության ազգային կենտրոնի բեմում համախմբել էր Եվրոպայի, Ամերիկայի, Ռուսաստանի և Հայաստանի երաժիշտներին և նկարիչներին:

Փառատոնի հեղինակ, տնօրեն և հիմնադիր Կամիլ Չալաևի խոսքով՝ երաժշտությունը կարևոր դեր է խաղում անձի ձևավորման գործում: Նա նշել է, որ իր համար չափազանց հետաքրքիր է աշխատել երեխաների հետ՝ օգնելով նրանց արտահայտվել, զարգացնել ստեղծարարությունը, վերացնել բոլոր սահմանափակումները նույնիսկ նրանց մոտ, որոնց ֆիզիկական կամ մտավոր հնարավորությունները սահմանափակ են:



ادبیات، حوزه اندیشگانی است که هم بر آگاهی ادراکی (زیر بنای آگاهی علمی) و هم بر آگاهی عاطفی (زیر بنای آگاهی هنری) استوار است.



یادداشت های دکتر احمد نوری زاده گزیده ای از مجموعه «ماندگاران خاطره های من» (بخش هفتم)
تهیه و تدوین: ایساک یونانسیان

شربت اوغلی به نظر من تنها کسی بود که اسم و کارش به هم می آمد. پیرمرد را مدام در کوچه پس کوچه های غازیان می دیدی که چندین دست کت و شلوار روی شانه های فقیرش نهاده و پرسه می زند تا بچه ای مثل من عاشق کت و شلوار چهارخانه یا راه راه افتاده بر شانه های او بشود و با و رور زدن های بچگانه اش پدر و مادرش را عاجز کند تا یک دست از آنها را برایش بخرند. عزت و سکینه هم کارشان این بود که می آمدند تهران و لباس های مستعمل را، که امروز به آنها میان عامه مردم واژه هایی مثل تاناکورا و استوکی اطلاق می شود، بار کیسه ها و چمدان های زهوار در رفته شان می کردند و می آوردند انزلی و خیلی ارزان می فروختند. عزت و سکینه و لباس های تاناکورایی وقتی به محله می رسیدند همه زن هایی که مثل من زاده فقر بودند و با شرف می زیستند خبر دار می شدند و آن روزها، در غیاب تلفن و موبایل و فاکس، از بالای دیوارها و چپرها خبر را به یکدیگر مخابره می کردند و به یکباره، جلوی در خانه عزت و سکینه غلغله بر پا می شد ... بعد از کیفوری های چند روزه، کت و شلوار را بالای سرم به میخی که در دیوار گلی فرو می کردم می آویختم و مادرم روی یک میز چوبی مربعی سفره پهن می کرد و شیرینی خوری ها را که به آنها «واز» می گفت می چید.

Ծնվել է Թավրիզում: Նախնական կրթությունն ստացել է տեղի Հայկազյան-Թամարյան երկսեռ դպրոցում, ապա սովորել է Թավրիզի թեմական միջնակարգ դպրոցում, ավարտել 1923 թվականին: Գրել է բանաստեղծություններ, որոնք տպագրվել են իրանահայ և այլ պարբերականներում: Աշխատակցել է «Արմենուհի», «Երիտասարդ հայուհի», «Լուսաբեր» և այլ պարբերականների: 1925 թվականին Թավրիզում լույս է տեսել նրա բանաստեղծությունների անդրանիկ ժողովածուն «Երագ և հուշեր» վերնագրով: 1938 թվականին Թեհրանում հրատարակել է «Ցեղիս և հողիս հետ» ժողովածուն, 1949 թվականին՝ «Մանկական պարտեզը», 1954 թվականին՝ «Կյանքի անցնող էջերից», իսկ 1955 թվականին՝ «Հայկի և Բելի կռիվը»:



"One cannot conceive anything so strange and so implausible that it has not already been said by one philosopher or another" – René Descartes

با اعتقاد به «آزادی بیان» مهستی شاهرخی بی وقفه نوشته‌است و به عنوان «اعتراض به سانسور و بی حرمتی به حقوق مادی و معنوی مؤلف ایرانیان در هر کجا که باشند»، آثار خود را به صورت اینترنتی منتشر کرده‌است؛ آثار منتشر نشده و گوناگون او به قول خودش «در انتظار روزهای بهتر» به سر می‌برد و فعلاً به صورت اینترنتی منتشر می‌شود.

-شالی به درازای جاده ابریشم (رمان) - (۱۹۹۹)
- شبان نیکو (مجموعه هفت داستان) - (۲۰۰۳)
-رمان بلند صبح نهران به صورت پاورقی در هفته نامه شهروند چاپ کانادا منتشر شد.



مسیر موفقیت مسیری پر از شکست‌های مختلف است، به همین دلیل افراد هوشمند می‌دانند چطور با پشتکار از شکست‌هایشان به عنوان جای پایی برای هدفی بزرگتر استفاده کنند.



مهستی شاهرخی ۱ مهر ۱۳۳۵ (سپتامبر ۱۹۵۶) در ملایر به دنیا آمده‌است. او تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران گذراند و در سال ۱۹۸۰ از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در رشته هنرهای تجارّتی دانش‌آموخته شد. در پاییز ۱۹۸۴ به فرانسه مهاجرت کرد و در پاریس به تحصیلات خود در رشته‌های متنوعی چون فناوری آموزشی و ایرانشناسی و سرانجام ادبیات تطبیقی ادامه داد و ادبیات تطبیقی را در دانشگاه سوربن تا آستانه دکترا آموخت. مهستی شاهرخی اکنون ساکن پاریس است و تاکنون از او مقالات بسیاری در مجلات ادبی و هنری داخل و خارج از کشور به چاپ رسید که مورد توجه منتقدان واقع شد و در خارج از ایران به چاپ دوم رسید. «شبان نیکو» نیز مجموعه هفت داستان از اوست که در سال بعد توسط نشر باران منتشر شد. در سال ۱۹۹۹ رمان «شالی به درازای جاده ابریشم» از او توسط نشر باران سوئد به چاپ رسید که با استقبال بسیاری مواجه شد و نقدهای بسیاری بر آن نوشتند و همین رمان در خارج از کشور توسط نشر باران سوئد، ۲۰۰۲ به چاپ دوم رسید؛ «شبان نیکو» نیز مجموعه هفت داستان از اوست که در سال ۲۰۰۳ توسط نشر باران منتشر شد؛ رمان بلند «صبح نهران» توسط هفته نامه شهروند کانادا، در سالهای ۲۰۰۸/۲۰۰۹ منتشر شد، از مهستی شاهرخی تاکنون مطالب زیادی در گلچین‌های مختلف به زبانهای دیگر به چاپ رسیده‌است.

Yvonne Green

Green, who lived in Hendon and Herzliya, was born in Finchley, north London on 8 April 1957. She attended the Henrietta Barnett School and then went on to study law at the London School of Economics and Political Science. Green was called to the Bar in New York and England and first practised in New York at Milbank Tweed Hadley & McCloy and the Legal Aid Society and later in London in the Inner Temple but retired as a commercial barrister in 1999 so she could publish the poetry that she had always written. She was of Bukharan Jewish heritage.



Михаил Ломоносов

Скрыв свое крестьянское происхождение, Михаил Ломоносов получил образование в лучших университетах XVIII века. Он изучал самые разные науки и сделал множество открытий, писал ученые труды и преподавал в академиях. Ломоносов стал автором многих изобретений и разработал план создания первого в России университета. По его инициативе появился Московский университет, в котором могли учиться представители всех сословий.



رمز جاودانگی نویسندگان و
ادیبان بزرگ جهان، در عمق
آگاهی آنان نهفته است.



Francesco Arisi

Nacque nel 1657 a Cremona. Dopo i primi studi presso i Gesuiti, si trasferì a Parma nel 1674 per studiare giurisprudenza, poi a Bologna. Nel 1679, l'anno dopo della morte del padre, conseguì il dottorato a Pavia, rientrando poi a Cremona dove intraprese l'attività di avvocato. Ricoprì numerosi incarichi pubblici, anche di tipo diplomatico.

Coltivando in parallelo una intensa attività poetica, fu autore di oratori e componimenti poetici sia di tema religioso sia d'ispirazione petrarchesca.[2] Era membro (col nome arcadico di Eufemio Batio) della colonia cremonese dell'Accademia dell'Arcadia[3] (fondata nel 1720) e costituì presso la sua abitazione l'Accademia dei Disuniti, una delle nove accademie della città, dedicata soprattutto alla poesia e agli oratori, che accoglieva membri della borghesia. Nel contempo Arisi svolse ruoli ufficiali di storico e di erudito. Intellettuale eclettico, una delle sue opere più paradigmatiche è la Cremona Literata (1702), un erudito repertorio bibliografico



زمانی که هنرمندان بتوانند فراتر از
مرزهای فراجنسیتی و دسته بندی های
سختگیرانه اجتماعی به انسانیت نگاه
کنند بهترین اثر خود را خلق میکنند.



زاون قوکاسیان زاده ۷ اردیبهشت ۱۳۲۹ و درگذشته ۱ اسفند ۱۳۹۳، کارگردان، فیلم‌ساز، منتقد و مدرس ایرانی ارمنی‌تبار صاحب‌نظر سینمای ایران بود. وی در اصفهان به دنیا آمد و از دانشگاه همین شهر، در رشته شیمی فارغ‌التحصیل شد، اما از همان جوانی سینما را برگزید. علاوه بر نگارش یادداشت و نقدهای سینمایی، چندین عنوان کتاب در حوزه سینما و سینماگران تألیف کرد و در چند دوره از جشنواره‌های سینمایی در ایران، اتریش و ارمنستان جزو هیئت داوران بود. آقای قوکاسیان، در سال ۱۳۵۰، فیلمسازی را با فیلم‌های کوتاه ۸ میلی‌متری در سینمای آزاد آغاز کرد و مدتی نیز سرپرست سینمای آزاد اصفهان بود. او به عنوان کارگردان چند فیلم کوتاه، مستند و داستانی ساخت از جمله: در فلق (کوتاه ۱۳۵۰)، عروس کهن (کوتاه ۱۳۵۲)، فصلی دیگر (کوتاه ۱۳۵۵)، نقش خیال (مستند ۱۳۶۶)، خاج شویان (مستند ۱۳۶۱) و همه فرزندان من (داستانی ۱۳۶۳). اولین کتاب زاون قوکاسیان در حوزه سینما در سال ۱۳۵۰ منتشر شد که دربارهٔ فیلم «چشمه» ساخته آربی آوانسیان نوشت. نوشتن کتابی دربارهٔ یک فیلم تا آن زمان در سینمای ایران سابقه نداشت.



عناصر خنده دار، نظیر آنچه در کمدی جدید وجود دارد، نیز در این اثر فراوان است.

"زنان فینیقی" (حدود ۴۰۹ ق.م). نمایشنامه مردم پسندی است که به نقل تمامی داستان زوال خانواده اودیپ می پردازد. آکسیوس، سنکا، راسین، شیلر، و نمایشنامه نویسان دیگر از این نمایشنامه تاثیر پذیرفته اند.

"اورستس" (۴۰۸ ق.م). نمایشنامه ای است همواره دلنشین، و با ائومنیدس، اثر آیسخولوس اشتراک موضوع دارد، اما از نظر لحن گفتگوها و تحرک بازیگران با درام آیسخولوس تفاوت ها دارد. عمل و حرکت در نمایشنامه اورستس نسبتا ضعیف است؛ گره گشایی پایان داستان هم منطقی به نظر نمی رسد. به هر حال، اورستس تقلیدی از سایر نمایشنامه های اورپیدس، به ویژه الکترا، مدیا، و ایفی ژنی در تاوریس است.

"فدائیان دیونوسوس" (حدود ۴۰۵ ق.م). این نمایشنامه که بعد از مرگ اورپیدس به اجرا درآمد یک تراژدی قوی است، و به نظر گوته و مکولی، یکی از زیباترین درامهای اورپیدس به شمار می رود. داستان نمایش یکی از کهن ترین موضوعات تراژدی است: مجازات پانته ئوس بی اعتقاد به دست دیونوسوس. منادها (زنان ملازم و فدائی دیونوسوس) و آگاو، مادر پانته ئوس، در عالم مستی و بی خبری بدن پانته ئوس را پاره پاره میکنند. تفسیر نمایشنامه دشوار است.



لیدی وینچسلی از معدود زنانی بود که در قرن ۱۵ توانسته بود تحصیل کند و به علت ثروت و جایگاه اجتماعی خانواده اش، نسبت به سایر بانوان از آزادی بیشتری برخوردار بود.





مطالعات نشان میدهند در بحث
موفقیت ارزش و کارائی تلاش از
استعداد بیشتر است.

اولین نویسنده جهان کیست؟



انهدو آنا (به سومری:



اولین شاعر شناخته شده است. پدر او سارگن بزرگ و مادرش تاشولتوم بود، وی همچنین خواهر ریموش و منیشتوشو نیز بود. از نظر ادبیات و تاریخ، دانشمندان او را قدیمی ترین نویسنده زن و شاعر می دانند که بالاترین رتبه از روحانیت در هزاره سوم قبل از میلاد، توسط پدرش، سارگن اکدی به او داده شده بود. او در سال ۲۳۰۰ قبل از میلاد به دنیا آمد. پس از اینکه پدرش موفق به ایجاد امپراتوری اکد شد به عنوان کاهنه معبد و زیگورات اور که مختص پرستش اینانا بود، منصوب گردید. او در دوران تصدی کاهنی در زیگورات اور تعداد زیادی شعر در ستایش اینانا دارد. او اولین شاعر ثبت شده تاریخ است. او پس از مرگ در مقبره اش در کنار زیگورات اور در سومر دفن شد. از اشعار معروف او می توان به «نین مه سار را» یا شعر در ستایش اینانا و «اینین ساگوررا» یا بانوی بزرگ قلب نام برد. باید دانست که او در دوران بعد از سارگون و در زمان پادشاهی برادرش ریموش، از اور تبعید شد.

مرکز مرزبان نشین ارمنستان شهر دوین تعیین گردید و فرماندهی سپاه نیز به واهان مامیگونیان واگذار شد.

دربار ساسانی برای سرکوب قیام به اقدامات نظامی متوسل شد. این بار قیام کنندگان برای اجتناب از درگیری در دشت باز، سپاه ساسانی را به دامنه های کوه ماسیس کشاندند و در حوالی روستای آکوری شکست سختی به آن وارد آوردند.



شاه باد در کنار حکومت، فرمانروائی کند و در کنار انقلابی بودن، یک دموکرات باشد.



آزادی هائی که دربار ساسانی به ناگزیر پس از جنگ آوارایر به ارمنستان داده بود خیلی گذرا و موقتی بود. چرا که در سال ۴۶۰ م. دوباره همان سیاست قدیمی ادغام ملی و ترک مذهب دادن اجباری در مورد ارمنه اعمال شد. بدینگونه که فیروز ساسانی که به تازگی بر تخت شاهی جلوس کرده بود، حقوق موروثی ناخارارهای ارمنی را سلب کرد و این حقوق را تنها به اشراف زادگان کیش زرتشت را پذیرفته و دوستدار پارسیان اعطا کرد.

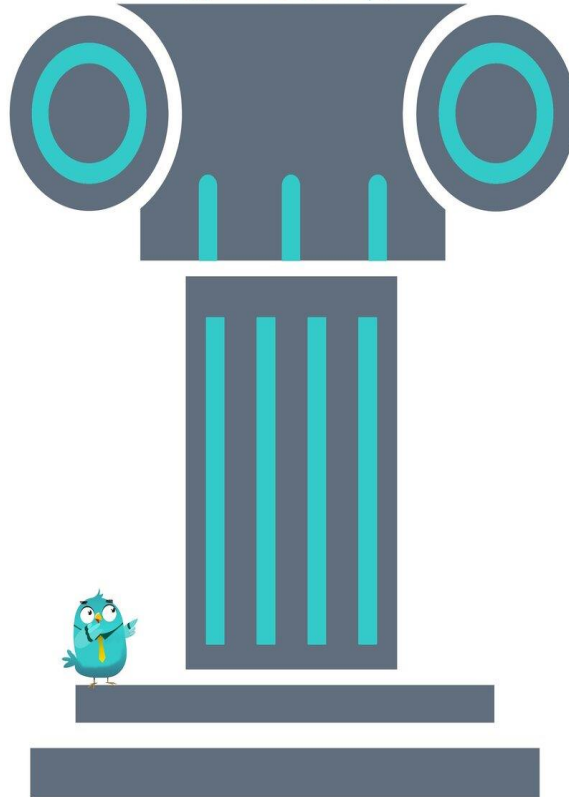
توده های مردم بار دیگر از اعمال دربار ساسانی به خشم آمدند و زمینه های قیام دیگری بر ضد دربار ساسانی فراهم گردید. این بار رهبری قیام را واهان مامیگونیان بر عهده گرفت. پس از گریز مرزبان پارسی، ساهاک باگراتونی به مرزبانی ارمنستان برگزیده شد.

اگر بخواهیم ترجمه را به عنوان نوعی ارتباط بین فرهنگی و بین زبانی در نظر بگیریم، تاریخ ترجمه در کشور ما از دیرباز تا عصر حاضر شاهد تحولات بسیاری بوده است.

ترجمه در دوران کهن

ترجمه در ایران در اصل ریشه در دوران کهن دارد و طبق مستندات مکتوب، به روزگار هخامنشیان بازمی‌گردد. برخی کتیبه‌های تخت جمشید به سه زبان متفاوت نوشته شده‌اند؛ متن اصلی که به زبان فارسی باستانی است و دو ترجمه به زبان‌های بابلی و ایلامی. این کتیبه‌ها را می‌توان نخستین مدارک ملموس از تاریخ ترجمه در ایران به شمار آورد. زبان پارسی باستان در دوران پارت‌ها و مادها و هخامنشیان با فارسی تفاوت‌های عمده‌ای داشت. در آن دوران خطوط بابلی و ایلامی نیز بین مردم باستان رواج داشت به گونه‌ای که شاهان هخامنشی به چند زبانه بودن خود افتخار می‌کردند.

ترجمه در زمان هخامنشیان



ترجمه پس از ورود اسلام به ایران

بعد از عصر ساسانی، در قرون وسطی، اسلام به تدریج در کشورهای همسایه گسترش یافت. در آن زمان، ایرانیان با وجود مکتب خدانشناسی و ترویج اسلام، تحولات بزرگی را در ساختار زندگی و اجتماعی خود تجربه کردند. در سده‌های بعدی ترجمه تحت اللفظی قرآن به زبان پهلوی و ترجمه آثار بسیاری از دانشمندان به عربی نیز رواج یافت.

صنعت ترجمه در بدو ورود اسلام به ایران



وسعت این امپراطوری و ارتباطات گسترده آن با سرزمین‌های بیگانه و نیز تغییرات مهم و کلیدی در زبان پارسی باستان باعث نزدیکی هرچه بیشتر فرهنگ و قومیت به زبان‌های مختلف در ایران شده و ترجمه متون را امری لازم و اجتناب‌ناپذیر کرده بود. از این رو، کاتبان و منشیان ماهر در دبیرخانه‌های دولتی به کار گرفته می‌شدند.

قبل از پیروزی اسلام در ایران، ترجمه به عنوان یک فعالیت فرهنگی و ادبی پررنگ بود. در این دوره، ترجمه‌هایی از زبان‌هایی مانند پهلوی، سریانی، یونانی و سنسکریت به زبان پارسی صورت می‌گرفت. آثار ادبی، دینی و فلسفی از جمله شاهنامه، چهل حدیث، آثار افلاطون و ارسطو و غیره در این دوران ترجمه می‌شدند.



ترجمه در دوران پیش از حمله مغول

22



پس از ورود اسلام تا پیش از یورش مغول، سنتی علمی در تمدن ایرانی-اسلامی به وجود آمد که به ترجمه آثار علمی تمدن‌های پیشین به زبان عربی منجر شد.

ترجمه در دوران خوارزمشاهیان، نه تنها برای انتقال آثار ادبی و فلسفی، بلکه برای ارتباطات تجاری، دینی و دیپلماتیک نیز استفاده می‌شد. کتب علمی، دینی، ادبی، شعر، تاریخ و فلسفه ترجمه می‌شدند و این امر باعث توسعه و غنی شدن فرهنگ‌ها و ادبیات مختلف می‌شد.

ترجمه در دوران پس از حمله مغول

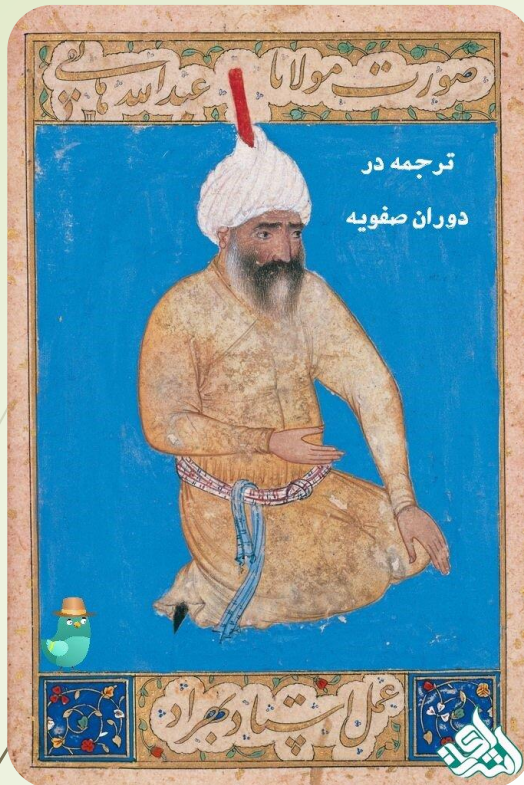
زاممداری حدوداً ۳۰۰ ساله مغولان بر ایران، به عنوان یکی از مهمترین حوادث تاریخی، تحولات بسیاری در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن زمان به وجود آورد.

در دوره‌ی ایلخانی، که یکی از حکومت‌های مغولی بود، نهضت فارسی‌نویسی اهمیت زیادی پیدا کرد. حاکمان ایلخانی و وزرای آنها، زبان فارسی را به عنوان زبان رسمی و اداری خود انتخاب کردند و مجموعه‌ی کتاب‌ها و متون را به فارسی ترجمه کردند. این تلاش‌ها باعث احیاء و ترویج زبان فارسی و توسعه ادبیات فارسی شد.

در عصر تیموریان نیز، نهضت ترجمه به ترکی نیز اهمیت یافت. تیمور لنگ، حاکم تیموریان، به فرهنگ و زبان ترکی علاقه زیادی داشت و ترجمه‌ی آثار ادبی و علمی فارسی به ترکی را تحسین می‌کرد. این علاقه باعث توسعه ادبیات و علم در زبان ترکی شد و تأثیری عمیق بر فرهنگ و ادبیات ایران گذاشت.

مجددی





گسترش روابط ایران با کشورهای اروپایی در عصر صفوی موجب رواج ترجمه از زبان‌های اروپایی شد. در همان زمان، در عهد حکومت اکبر شاه و جانشینانش در هند، بسیاری از آثار شاخص ادبیات هندی به فارسی ترجمه شد.

در واقع نهضت ترجمه به معنای امروزی آن، از اواسط دوره قاجار با ورود هیأت‌های نظامی و علمی بیگانه، به‌خصوص فرانسوی، به ایران کلید خورد؛ از تأسیس چاپخانه در تبریز توسط عباس میرزا، به عنوان یکی از نمادهای پیشرفت این نهضت، برای ترجمه آثار برگزیده عربی یاد می‌شود. در دوره حکومت ناصرالدین شاه، با تأسیس دارالفنون صنعت ترجمه رشد و تحولات بسیاری یافت. امیرکبیر پس از تأسیس دارالفنون، در کنار دعوت از معلمان اروپایی برای تدریس و عده‌ای مترجم برای ترجمه تخصصی مطالب، تعدادی از اروپائیان صاحب علم و معلمان ایرانی آشنا به زبان خارجی و علوم مختلف را نیز به کار گماشت.

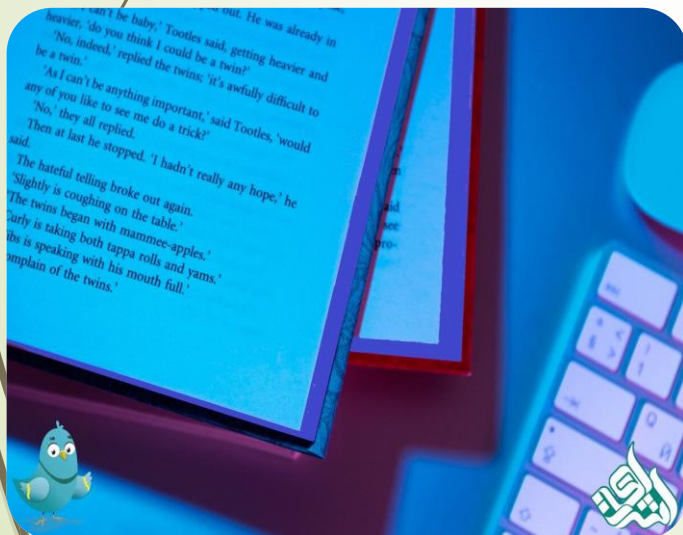
باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه غزا و چه ماتم است

محتشم کاشانی

با اینکه شکست بخشی از موفقیت است اما هیچ کس دوست ندارد شکست بخورد و اکثر ما هنوز معتقدیم شکست شرم آور است. کلید غلبه بر ترس از شکست، در حس همدردی نسبت به خود و تغییر طرز تفکرمان در مورد شکست نهفته است.

آنی مجد

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، ترجمه نیز تحت تأثیر تغییرات سیاسی و اجتماعی قرار گرفت. با تأکید بر اسلامی سازی فرهنگ و ادبیات، ترجمه آثار ادبی و اسلامی و فرهنگ شیعی به اولویت اول رسید. این ترجمه‌ها عمدتاً در حوزه‌های فلسفه، ادبیات، تاریخ و علوم اسلامی متمرکز شدند.



در سال‌های پایانی قرن نوزدهم، برخی از تحولات به پیدایش یک رنسانس ترجمه در ایران منجر شد. پس از یک قرن و نیم بی‌ثباتی سیاسی، سلسله قاجار، ثباتی ظاهری در جامعه‌ی ایرانی برقرار کردند و با اعزام دانشجویان ایرانی به اروپا، رفته رفته ارتباطات فرهنگی منظم با اروپا آغاز شد و همین امر نیاز مبرم به برقراری تماس میان دولت‌ها را محسوس‌تر کرد. با راه یافتن شیوه چاپ سنگی به ایران، مطبوعات فارسی و صنعت نوپای چاپ کتاب آغاز شد و این‌ها همه به آشنایی بیش‌تر با زبان‌های اروپایی و رواج دوباره کار ترجمه انجامید. انگیزه جنبش جدید ترجمه اساساً نیاز به دستیابی به علوم و فن‌آوری اروپایی احساس می‌شد. بدین ترتیب، ایران با ولعی و صف ناپذیر برای ترجمه که با هدف بازسازی نظام حکومتی، اجتماع و فرهنگ از نوع الگوهای اروپایی ایجاد شده بود، وارد قرن بیستم شد. در دوران حکومت پهلوی نیز، ترجمه همچنان یک نقش مهم در فرهنگ و ادبیات ایران داشت. در این دوران، تحت تأثیر سیاست‌های مدرنیزاسیون و غرب‌گرایی شاه، ترجمه به منظور بهره‌برداری از دانش و فرهنگ غربی بیشتر توسعه یافت. در دهه ۳۰ شمسی، "بنگاه ترجمه و نشر کتاب" با هدف ترجمه آثار فاخر جهانی به زبان فارسی توسط احسان یارشاطر در تهران تأسیس شد. همچنین دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی در این دوره به ترجمه آثار علمی و تخصصی از زبان‌های خارجی می‌پرداختند.

از باغ جان که به زلفت نوبری ندارم
 یاد لبت خورم که سر دیگری ندارم
 طوق غم تو دارم بر طاق از آن نهم دل
 کز طوق تو برون سر در خیبری ندارم
 عید منی و من که همی شمیم از هلاکت
 دیوانه ام که جز تو پری پیکری ندارم
 عشق از سرم درآمد و از پای من برون شد
 دانست کز غم تو پای و سری ندارم
 خاقانی



هالووین مخفف هالووز
 ایونینگبه معنای شب
 قدیسان، جشنی است که در
 ۳۱ اکتبر و در شامگاه
 مراسم روز همه قدیسین از
 آیین‌های مسیحیت غربی،
 برگزار می‌شود. هالووین
 روز اول مراسم سه‌روزه
 آل‌هالوتاید است [۶] که
 مناسبتی در تقویم کلیسا
 برای بزرگداشت یاد
 درگذشتگان، از جمله
 قدیسان، شهیدان مسیحی و
 دیگر مؤمنان در گذشته
 است.

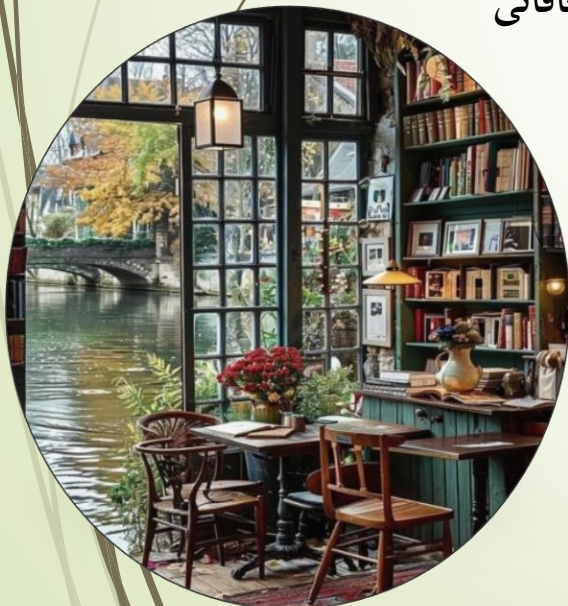
توجه شاعران به وزن دوری، اما به مکث
 وسط آن گاهی توجه ندارد چنان که جمال
 الدین اصفهانی در قصیده خود خطاب به
 خاقانی گوید:

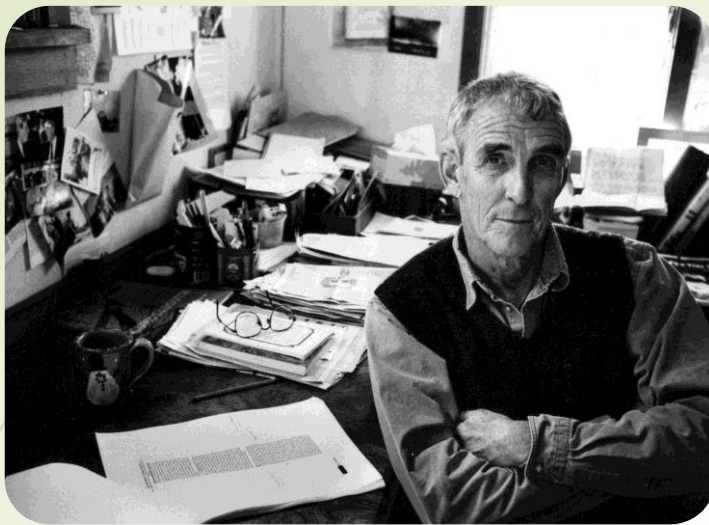
شکر خدا را که نیستی تو از آن که او
 شعر به دو نان چو من ز بهر دو نان برد

که محل مکث در وسط "نستی" است:
 نیس / تی.

مخصوصاً وزن مفعول فاعلاتن مفعول
 فاعلاتن را که دوری است با مفعول
 فاعلات مفاعیل فاعلاتن مخلوط میکنند و
 گاهی در وسط برخی از مصاربع "واو"
 می‌آورند که در اشعار انوری و خاقانی
 فراوان است:

افسر خدای خسرو، کشور گشای رستم
 ملک طراز عادل و ملت فروز داور
 خاقانی





هنگامی که سازمان سیا در سال ۱۹۴۷ تأسیس شد، بسیاری از سالمندان دانشگاه ییل در آن استخدام شدند. پیترو ماتیسن یکی از آنها بود. آژانس او را به پاریس فرستاد. ماتیسن در پاریس رمانی نوشت که به گفته مدیر او در سیا «ضعیف» بود. ماتیسن در واقع دو رمان نوشته بود. «پارتیزان»، دومین رمان او، درباره شخصیتی به نام بارنی ساند، روزنامه‌نگار مستقر در پاریس و فرزند یک دیپلمات آمریکایی است که سعی میکند با یکی از رهبران سابق حزب کمونیست فرانسه مصاحبه کند.

پیشینه جالب آثار درخشان ادبیات جهان

آژانس جاسوسی آمریکا کتاب را به زبان روسی منتشر کرد. بیش از ۱۰۰۰ نسخه با کمک عوامل سیا در اروپای شرقی منتشر شد و آنها را در نمایشگاه جهانی در بلژیک در سال ۱۹۵۸ توزیع کردند. امید می‌رفت که انتشار به زبان اصلی روسی راه را برای پاسترناک برای دریافت جایزه نوبل هموار کند. این اتفاق هم افتاد، اما شوروی پاسترناک را ملزم به رد نوبل کرد. او آنقدر عمر نکرد که ببیند «دکتر ژوآگو» در سال ۱۹۶۵ به یک فیلم پرفروش تبدیل شده است.

این نکته فراموش نشود که دکتر ژوآگو یکی از درخشان‌ترین آثار ادبی جهان است که شاید ایده‌های مقابله با دیدگاه‌های اتحاد جماهیر شوروی هم در آن مطرح بوده باشد، اما به هیچ وجه کتابی نگارش شده به دستور سیا نیست و نمی‌توان ارزش ادبی و ظرافت‌های بی‌نظیر آن را نادیده گرفت.



فاصله می دانست
نقش مهمش را میان ما
برایش باران التماس باریدم
تا نقشش را به چشم مرداب بسپارد
ولی با آغوش کشیدن ما
هر کدام را به قله ی تنهایی رساند.

جواد گزنلو

مجموعه اشعار "رد پای احساس"

فراگیری علوم و هنر توسط زنان از طریق
تحصیل، کلید پیشرفت و ترقی هر ملتی است.



ای رنگ به رنگ دلت
ای درهم تنیده دلم
ای زخمه ناجور زمانه
ای شکسته سبو، دلم
ای کوچه های بی انتها
و ای پائیز منتهی به سرما
گرمای وجودم فسرد در پندار
پندارم فسرد در ادبار

۹۳/۹/۱

ایمان قنبر پور

مجموعه اشعار "این شهر شلوغ"



«امروز! سرخیابان کودکِ کار را دیدم»

او هم سرِکار بود چه کسی گفته است؟ که، در مملکت ما، کار پیدا نمی شود.

الان این کودک باید در خانه، مشغول خوردن صبحانه و بعد هم، مدرسه رفتن و با دوستان خودش، در حیاطِ مدرسه دویدن و بازی کردن باشد. می بینم که، در این جا هم در حال دویدن است. وقتی به ماشینی خودش را رساند.

ماشین! با سرعت برق و باد حرکت کرد.

گلها در دستان این کودک کار، خجالت می کشیدند.

پاهایش نای راه رفتن نداشتند دست هایش به هم التماس می کردند، اونگاهش به دنبال ماشینی بود. که به آن نرسیده بود.

طاهره ترسلی

«یادداشتِ روزانه»

A la luna

Oh graciosa luna, yo recuerdo
 ahora que termina el año, sobre esta colina
 venía pleno de angustia a mirarte:
 en aquel tiempo pendías sobre aquel bosque,
 así como ahora que todo lo iluminas.
 Pero confundido y tembloroso por el llanto
 que brotaba de mis pestañas, en mis ojos
 tu rostro aparecía, tan difícil
 era mi vida: y es, y no cambia,
 oh mi amada luna. Y aunque me alegra
 el recuerdo y evocar el tiempo
 de mi dolor. ¡Oh, cuán grato es
 el tiempo juvenil cuando todavía se tiene
 esperanza y breve la memoria sigue su curso,
 recordar las cosas pasadas
 aún tristes, y que las angustias persistan!



آرشاک قوکاسیان دوبلور برجسته
ایرانی درگذشت

آرشاک قوکاسیان خالق صداهاى
 ماندگارى در تاريخ دوبله ايران
 بود اما احتمالاً بسيارى او را با صدا
 پيشگى نقش سعيد کنگراني در
 مجموعه "در امتداد شب" و
 مجموعه تلويزيوني گدائي جان
 ناپلئون" و همچنين شخصيت عمار
 در فيلم "محمد رسول الله" به ياد
 مى آورند.

Павел Радимов Зной

Луг, заклеянный метами косцов.
Жестоким солнцем спалена трава.
Болото высохло. У берегов
Ручья, склонясь, шепчу свои слова.

Вся выжжена душа. Среди пустынь
Томящий зной, и вихорь не кружит.
Безрадостно склоняется полынь
Над колеей, где мертвый грач лежит.



میدانستید بوی کتاب های
قدیمی اسم داره؟ بهش میگن

Biblichon

و بوی تجزیه شیمیایی
ترکیبات کاغذ؛ در واقع ما
بوی مرگ کتاب ها رو
دوست داریم.

We Wear the Mask by Paul Laurence Dunbar

We wear the mask that grins and lies,
It hides our cheeks and shades our eyes,—
This debt we pay to human guile;
With torn and bleeding hearts we smile,
And mouth with myriad subtleties.

ادبیات یک واقعیت
مهم اجتماعی است.



آزادی
مجد



ԴՈՒ

Անթիվ ժամեր՝ անցկացրած
Գեղեցկության սրահում,
Ժամանակդ ես սպանում՝
Այդպես էլ է պատահում:

Սիրահարված հայացքով
Նայում ես հեռախոսին.
«Գուցե հիմա կզանգի»,
Մտածում ես իմ մասին:

Ու դժբախտ հերոսուհին
Քո սիրելի սերիալի,
Անվերջ սիրուց է խոսում՝
Ինձ մոռանալ չի տալիս:

Եվ գրկում ես նկարն իմ՝
Արցունքները շուրթերիդ,
Ու ասում անսպառ հույսով.
«Վաղը բախտս կբերի»:



**Все дети -
художники.
Проблема в том,
чтобы остаться
художником,
когда ты вырос.**

آینده فلسفه از نظر یک فیلسوف آمریکایی

33



ماهنامه فرهنگی تحلیلی سوره اندیشه نوشت:

«جان سرل (۱۹۳۲) فیلسوف برجسته‌ی آمریکایی، در حال حاضر استاد دانشگاه برکلی است. وی در زمینه‌های گوناگونی از فلسفه‌ی تحلیلی معاصر از جمله فلسفه‌ی زبان، فلسفه‌ی ذهن و عقلانیت اجتماعی صاحب نظر است. کتاب «افعال گفتاری» که به فارسی ترجمه شده است؛ یکی از تألیفات مشهور او است و از آثار مهم فلسفه‌ی زبان در قرن بیستم محسوب می‌شود (افعال گفتاری، جان سرل، ترجمه محمد علی عبداللهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵). از دیگر ایده‌های مهم او استدلال اتاق چینی در رد نظریه‌ی محاسباتی ذهن است. او در این مقاله که به سال ۱۹۹۹ نگاشته شده به طرح آینده‌ی فلسفه می‌پردازد. آنچه در این میان حائز اهمیت است عطف نظر او به جنبش فلسفه‌ی تحلیلی است، به گونه‌ای که در این نوشتار اشاره‌ای به فلسفه‌ی قاره‌ای صورت نگرفته است.

فلسفه‌ی تحلیلی جنبش غالب فلسفی در دنیای انگلیسی زبان است که زمینه‌های گوناگونی چون فلسفه‌ی زبان، فلسفه‌ی علم، فلسفه‌ی ذهن و متافیزیک تحلیلی را دربردارد. از سوی دیگر فلسفه‌ی قاره‌ای جریان غالب در کشورهای چو آلمان و فرانسه است که پدیدارشناسی، اگزیستانسیالیسم و پسا ساختارگرایی از گرایش‌های اصلی آن محسوب می‌شوند.

البته باید به این نکته نیز توجه داشت که امروزه با ظهور متافیزیک تحلیلی به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فلسفه‌ی تحلیلی که از چهره‌ی شاخص آن می‌توان به آلوین پلانتینگا اشاره کرد؛ و نیز فلسفه‌ی سیاسی جان رالز، تحلیل مفهومی رویکرد منحصر فلسفه‌ی تحلیلی محسوب نمی‌شود. در ادامه مقاله نویسنده شش رویکرد اصلی مباحث فلسفی را در آینده مطرح می‌کند. یکی از شش محور طرح شده به عنوان رویکردهای اصلی فلسفه‌ی آینده، مسأله‌ی ذهن-جسم است.



ذهن قادر است
احساسات و
عواطفی را تجربه
کند که متعلق به
فرد دیگری است.
چنین قدرتی، امکان
تفکر خلاق را برای
ما فراهم میکند.

ادموند هوسرل، مارتین هیدگر، هانس گئورگ گادامر، موریس مرلوپونتی، ژان پل سارتر و میشل فوکو از جمله چهره‌های برجسته‌ی این جنبش فلسفی محسوب می‌شوند. البته نویسنده، خود در متن مقاله‌اش اذعان دارد که تحلیل او ناظر به جریان فلسفه‌ی تحلیلی است، ولی در ادامه، فلسفه‌ی قاره‌ای را شاخه‌ای از ادبیات و یا نزدیک به آن می‌داند؛ سخنی که شاید در مورد پاره‌ای از آثار سارتر و دریدا صادق باشد ولی با رجوع به آثار هوسرل، هیدگر و مرلوپونتی اعتبار خود را از دست می‌دهد.

نویسنده در ابتدای مقاله سه خصیصه‌ی عمده‌ی مسائل فلسفی را مطرح می‌کند. خصیصه‌ی سوم که همان تحلیل مفهومی است روش عمده‌ی فلسفه‌های تحلیل محسوب می‌شده است؛ به گونه‌ای که تقریباً تمامی گرایش‌های فلسفه‌ی تحلیلی از روش تحلیل مفهومی برای پاسخگویی به موضوعات خود استفاده کرده‌اند. بنابراین سنت فلسفه‌ی تحلیلی با متافیزیک سنتی که «موضوع خود را موجود بما هو موجود» می‌داند و با استفاده از روش‌های عقلی به کشف حقایق جهان می‌پردازد، تمایزات اساسی دارد. قابل ذکر است که این سنت فلسفی در امتداد تجربه‌گرایی انگلیسی در ابتدای قرن بیستم شکل گرفته است.

به دلیل طولانی بودن این مقاله، در این شماره فقط بخش اول آن تقدیم می‌شود که بیش‌تر ارائه مقدمات ورود به بحث است که البته برای آشنایی با نوع نگاه یک فیلسوف تحلیلی به فلسفه و تحولات آن، مناسب است. در شماره آینده قسمت دوم مقاله خواهد آمد که به بررسی شش حیطه‌ی پژوهشی فلسفی که در حال حاضر بسیار فعال و زنده هستند و وضعیت فعلی و چشم‌انداز آینده آن‌ها می‌پردازد.***

هیچ مرز مشخصی میان علم و فلسفه نمی‌توان ترسیم کرد، اما به نظر می‌رسد مسائل فلسفی سه خصیصه مشخص دارند که آن‌ها را از مسائل علمی مجزا می‌کند. اول این‌که آن‌ها به چارچوب‌های [فکری] گسترده شباهت دارند و نه این‌که مسائلی مشخص و تعیین شده درون یک چارچوب باشند.



جامعه‌شناسی از دیدگاه
دکتر سلیم:

جامعه‌شناسی بیان و توجیه
زندگی اجتماعی است. اعم
از اینکه مربوط به انسان‌ها
باشد یا جانوران، در واقع
جامعه‌شناسی از زندگی
اجتماعی موجودات زنده
گفت و گو میکند.



از نظر نویسندگان علوم عصب‌شناسی به آن حد پیشرفت کرده است که می‌توانیم این مسئله را یک مسئله کاملاً مربوط به زیست‌شناسی عصب بدانیم، با این حال با گذشت قریب به ده سال از نگارش این مقاله، نه تنها این مسأله به طور کامل به یک مسأله اعصاب‌شناختی تبدیل نشده است؛ بلکه دوگانه‌گرایی ذهن-جسم همچنان یکی از رویکردهای اصلی در فلسفه‌ی ذهن محسوب می‌شود. امروز که ده سال از نگارش این مقاله می‌گذرد، می‌توان با رجوع به وضعیت فعلی فلسفی در جهان انگلیسی‌زبان، صحت دعاوی سرل را ارزیابی کرد. مباحث فلسفی در دنیای انگلیسی‌زبان حکایت از آن دارد که اگرچه ادعای سرل مبنی بر قرار گرفتن مباحث فلسفه‌ی ذهن به عنوان محور اصلی مباحث فلسفی، صحیح می‌باشد؛ اما باید به اقبال فراوان و روزافزونی که در دنیای انگلیسی‌زبان به مباحث فلسفه‌ی قاره‌ای وجود دارد نیز توجه کرد، تا جایی که برخی از برداشته شدن تمایز میان تحلیلی و قاره‌ای سخن می‌گویند. در دانشگاه برکلی نیز که سرل در آن به تدریس و تحقیق اشتغال دارد، هیوبرت دریفوس از پدیدارشناسان برجسته محسوب می‌شود. در کانون مباحث فلسفه‌ی تحلیلی نیز، متافیزیک و موضوعات آن، بار دیگر در معرض توجه قرار گرفته است.

Donne-moi la paix pour que je ne pleure pas

Dieu, je n'ai pas de courage
Donne-moi le courage de me détendre

Dieu, apprends-moi cette différence
que je ne mourrai pas dans une ignorance absolue

دعایی زیبا از بابا طاهر



خدایا دانشی ده ؛ غم نگیرم
بده آرامشی ؛ ماتم نگیرم
خدایا از شهامت بی نصیبم
شهامت ده که آرامش بگیرم
خدایا ؛ این تفاوت بر من آموز
که در گمراهی مطلق نمیرم

مؤلف کتاب «ماهیت ادبیات و واقع‌گرایی آن در جامعه» تشریح کرد؛ تأثیر متقابل جامعه‌شناسی و ادبیات بر یکدیگر چیست؟

37

شما در کتاب از سه اصطلاح «جامعه‌شناسی در ادبیات»، «جامعه‌شناسی و ادبیات» و «جامعه‌شناسی ادبیات» سخن گفته‌اید، چه تفاوت بارزی بین این سه وجود دارد؟

جامعه‌شناسی در ادبیات یعنی ما دیوان حافظ را باز کنیم و ببینیم حافظ در دیوان خودش به چه مسایلی از اجتماع پرداخته است؟ به فقر؟ به اخلاق؟ به اعتقادات؟ به فرهنگ؟ به رسوم؟ به چه مسایلی اجتماعی پرداخته است؟ یا نصر خسرو یا فردوسی یا هر شاعر صاحب سبک دیگری در سروده هایشان به چه مسایلی اجتماعی پرداخته‌اند؟



سال‌های سال بود که
زنان از زندگی خلاقانه
و هنری مستقل منع
شده بودند. میلیونها
ذهن درخشان، اندیشه
روشن و استعداد بی
نظیر در سایه‌ی سنگین
مردسالاری و
محدودیت‌های
اجتماعی از بین رفتن و
هرگز فرصت
شکوفایی پیدا نکردند.

بعضی‌ها می‌گویند هنر مجموعه‌ای از اینهاست. یعنی هم در آن لذت وجود داشته باشد، هم ابداع و ابتکار وجود داشته باشد و هم به مردم آگاهی و اطلاع بدهد و مردم را از مسائل پیرامون آگاه کند. که این مقوله در کشورهای پیشرفته بیشتر از کشور ما جا افتاده است. در کشور ما بیشتر مقوله لذت هنری جا افتاده است و در کشورهای توسعه یافته مردم بعد از شنیدن یا دیدن اثر هنری به فکر فرو می‌روند که صاحب اثر می‌خواسته چه اندیشه و چه فکر و چه مفهومی را به ما منتقل کند. بنابراین امروزه می‌گویند هنر یا ادبیات باید آگاهی بدهد. منظورم آگاهی اجتماعی است. و آگاهی هم نیاز به پشتوانه دارد و من باید اهل مطالعه و اندیشه باشم که ادبیات و هنر به من آگاهی بدهند. در قسمتی از این کتاب هدف من این بود که ادبیات دنیا را معرفی کنم و تلاش کنم ادبیات خودمان را به آن نزدیک کنم که آگاهی بدهد و صرفاً لذت نباشد که من با خواندن حافظ یا سعدی فقط لذت ببرم و بلکه از اشعار آنها اطلاع و آگاهی هم بگیرم و ما را به عنصر ادراک برساند. حال این حافظ کدام حافظ است؟ آیا حافظ قرن ۷م است؟ یا حافظ قرن ۱۵م است؟ من در این کتاب می‌خواهم بگویم حافظ دیگر آن حافظ قرن ۸م نیست بلکه حافظ قرن ۱۵م است. چون اگر حافظ قرن ۱۸م کنون زنده شود، حافظ قرن ۱۵م می‌تواند باشد نه حافظ قرن ۸م و این دست او نیست بلکه شرایط زمانه ایجاب می‌کند.

از آن برای سرگرمی، همراهی رقص، نمایش، آیین های مذهبی و مناسک جادویی، و در مراسم ویژه ی رخدادهای مهم مانند تولد، بلوغ، ازدواج، مرگ استفاده میشود. شفا دهندگان در معالجه ی بیماران از آوازه ها و رقص هایی ویژه استفاده میکنند، و هنگام حفاری، آسیا کردن دانه ها، هیزم شکنی، و برداشت محصول آوازهای مخصوص خوانده میشود. مردم وقتی در دادگاه بر سر حق خود بحث و جدل میکنند آواز دادخواهی می خوانند.



Olivia Rodrigo talks about different 'perspectives' about 'Guts World Tour' film

Olivia Rodrigo, whose new concert film Olivia Rodrigo: Guts World Tour got its OTT release, talked about different "perspectives" about her upcoming movie.

The 21-year-old pop star told The Hollywood Reporter that she thinks the movie shows some different "perspectives" and "angles".



گرچه امروزه توسعه ی شهرنشینی و صنعتی سازی چهره ی آفریقای جنوب صحرا را تغییر می دهد، شیوه ی زندگی بسیاری از آفریقایی ها همچنان سنتی است؛ بسیاری پیرو مذاهب چندخدایی، روستانشین، و برای گذران زندگی متکی بر پیشه های سنتی مانند کشاورزی و گاوداری اند.

تنوع موسیقی های آفریقای جنوب صحرا به اندازه ی تنوع اقوام ساکن آن است. با این همه، در بیشتر موسیقی های این سرزمین ها ریتم های پیچیده، چندریتمی، صداهای کوبه ای، و انواع متعدد از گروه های همناواری به کار گرفته می شوند. موسیقی آوازی را اغلب تک خوان و همسرایانی که به او پاسخ می دهند اجرا میکنند. فرهنگ های گوناگون آفریقایی بی شک بر یکدیگر اثرگذار بوده اند. برای مثال، سبک های موسیقایی برخی نواحی آفریقای جنوب صحرا، مانند غنا و شمال نیجریه، تاثیر گرفته از موسیقی عربی است.

موسیقی در جامعه

موسیقی عملا در تمام جنبه های زندگی آفریقایی حضور دارد:

این اصطلاح به مفهوم عصر جدید، پیشتاز و فکر باز و روشن، آگاهی از نوآوری های فکری یا افکار نوین، به کار رفته است. " در کتاب فرهنگ اندیشه نو چنین می خوانیم: اگر چه صنعت نو در زبان های مختلف به پدیده های گوناگونی اطلاق شده است اما نو گرایی یا جنبش نو تاکنون به صورت اصطلاح جامعی برای گرایشی بین المللی ثبت شده است که در آخرین سال های قرن نوزدهم در شعر، داستان نویسی، نمایش نویسی، موسیقی، نقاشی، معماری و دیگر هنرهای مغرب زمین پدید آمد و سپس در کیفیت بخش بزرگی از هنر قرن بیستم نیز تاثیر گذاشت.... " (فلسفه جدید تربیت)

مدرنیته و مدرنیزاسیون را عمدتاً در تقابل با سنت - کهنه پرستی، رکود، عقب افتادگی، قدیمی بودن، بی ذوقی، بی سلیقه دانسته اند و آن را ذیل زیبایی شناسی رده بندی کرده اند.

نگاهی ژرف به سیر علم و فلسفه از ابتدا تا کنون مبین این نکته است که بسته به ظرفیت ها و شرایط و چگونگی و تطور اندیشه در میان مردم و دانشمندان و متفکران اعصار و قرون، حتی رگه هایی در قرون میانه و بلاخص پس از عصر تاریک قرون وسطی و پیدایش رنسانس و عصر علم به طور مصطلح و اوج آن در قرن ۱۹ مدرنیسم و مدرنیته و مدرنیزاسیون و سپس پست مدرنیسم یا همان ترانس مدرنیسم حضور داشته است. آن چه مهم است این که این اصطلاحات در واقع در قید زمان هستند. سنت نیز در کنار آنها هر کدام با مشخصاتی روز و روزگاری را معرفی می کند و این ها در واقع پاسخ به نیازهای زمان می باشند.

".... هر وضع تازه طبعاً و ناگزیر وضع پیشین را در بر دارد و آستن وضع بعدی است. وضع پیشین هرگز ریشه کن نخواهد شد و همیشه به نحوی با ماست بنابراین ، آن چه تاکنون مدرن (نو) خوانده می شود طبعاً فردا ممکن است پست مدرن خوانده شود و پست مدرن امروز هم، فردا سنت تلقی می شود." (فلسفه جدید تربیت)



نویسنده کتاب تحقیقی و ارزشمند فلسفه جدید تربیت معتقد است پیشوند پست یا پسا و یا فرا را نخستین بار متفکری به نام لسلای فیدلر در سال ۱۹۶۵ به کار برد و آن را کلمه جادویی و افسون گرانه تلقی کرد. لیوتار فرانسوی برجسته ترین بنیانگذار، شارح و مفسر پست مدرنیسم است. خود این فیلسوف سیاسی، فیلسوف زبان، زیبایی شناسی و نظریه پرداز فرهنگی از آرای مارکس، فروید، لاکان، نیچه، کانت، هایدگر و ... متأثر شده است.

پست مدرنیسم اساساً آمیزه ای است از هر نوع سنت یا سنت های گذشته : در واقع هم تداوم و استمرار مدرنیسم است و هم استعلاء و تکامل آن به عبارت دیگر دیدگاهی است التقاطی.



"The mind is furnished with ideas by experience alone" – John Locke



تعریف و یا تعاریف مختلفی مدرنیسم عباراتی من جمله عقل گرایی، نوعی یک نواختی و جزمیت گرایی را هم ذکر کرده اند. همچنین مدرنیته را به معنی و مفهوم رئال هم گرفته اند. برخی نطفه اولیه و مقدماتی این واژه را به قرون ۱۶ و ۱۷ مرتبط دانسته اند.

هر چند گفته شده این واژه مترادف نسبی گرایی و طرد حقیقت مطلق است، مع الوصف نسبی گرایی و اعراض از حقیقت مطلق را بیشتر به پست مدرنیته مرتبط دانسته اند. همچنین گفته شده این اصطلاح نوعی وضوح و شفافیت را می رساند که تنها عقل می تواند آن را عرضه کند و اساس مدرنیته تحول نگاه انسان به خویشتن و جهان است و تعریف تازه ای است که از خود و جایگاه خود در نظام عالم می کند.

پست مدرنیسم - فرانو گرایی :

با اعلام نامزدهای گاتام، فصل جوایز ۲۰۲۴ آغاز شد



41



مهم بودن رو فراموش کن روزنامه‌ی
روز یکشنبه زباله‌ی روز دوشنبه است...

خسرو شکیبایی



فهرست اسامی نامزدهای جوایز سینمایی گاتهام (The Gotham) در رشته فیلم‌های بین‌الملل و آمریکا اعلام شد. امسال فیلم‌هایی که در لیست نهایی نامزدها قرار گرفتند در دو بخش فیلم‌های آمریکایی و همچنین سینمای جهان تقسیم شده‌اند. در بخش سینمای آمریکا پنج فیلم در لیست قرار گرفتند که این دو فیلم از آثار مطرح سینمای آمریکاست: «انورا» ساخته شان بکر. (این فیلم برنده نخل طلا هم شده بود). بابی گرل به کارگردانی دیوید هینوجوسا. اما در بخش بین‌الملل که مورد توجه تهیه‌کنندگان و کارگردانان دیگر کشورهای جهان است این آثار جزو نامزدهای نهایی قرار دارند: «همه آنچه به عنوان نور تصور می‌کنیم»، از هندوستان. (این فیلم برنده جایزه بزرگ جشنواره کن شده بود. «مرز سبز» اثر انیشکا هولاند از لهستان. «حقایق سخت»، ساخته مایک لی از انگلیس. «درون کوکون زرد»، به کارگردانی تیان آن پام و ومیگلیو از ایتالیا. اگر چه قبلاً اسم فیلم «دانه‌های انجیر معابد» محمد رسول‌اف هم برای نامزدی بر سر زبان‌ها بود، اما این فیلم در لیست نهایی نامزدها قرار نگرفت. در سال‌های گذشته فیلم‌هایی که جایزه گاتهام را به دست آوردند بودند شانس بالایی برای گرفتن جایزه‌های اسکار داشتند. مراسم این دوره از اهدای جوایز گاتهام روز دوشنبه دوم دسامبر در نیویورک برگزار می‌شود. گوتام که به سینماهای هنری توجه دارد، امسال سی و چهارمین دوره خود را برگزار می‌کند.

احترام فرد به شخصیت خود و دیگران
پی بردن به علل رفتار
توجه به تمامیت وجود هر فرد
شناخت محدودیت‌ها و توانائی‌ها در خود و افراد دیگر
شناسائی نیازها و انگیزه‌های مسبب رفتار انسان



بهداشت روانی شاخه‌ای از بهداشت عمومی است که در درجه اول به پیشگیری از وقوع بیماری و در درجه دوم به تشخیص به موقع بیماری‌ها، اقدام فوری برای درمان آنها و در نهایت به یاری فرد می‌پردازد تا از توانمندی‌های باقی مانده او حداکثر استفاده را بنماید. گفتنی است که تأمین بهداشت روانی به سادگی بهداشت جسمانی نیست، زیرا عواملی که بیماری‌های جسمانی را ایجاد می‌نمایند تقریباً شناخته شده‌اند. به‌ویژه راه‌های پیشگیری و درمان بیماری‌های عفونی و تب‌زا، برای پزشکان کار ساده‌ای است و توصیه‌های سهل‌الوصولی را می‌توانند برای عموم داشته باشند. عوامل بیماری‌زا و طرز سرایت آنها می‌تواند توضیح داده شود و راه‌های پیشگیری آن اعمال گردد. ولی در مورد بیماری‌های روانی هنوز وضع به این روشنی نیست، زیرا در ایجاد و بروز بیماری‌های روانی عوامل متعددی دخالت دارند و حتی در مورد برخی از بیماری‌های روانی زمینه ابتلاء به آن قبل از تولد یعنی در دوران جنینی و یا دوران اولیه زندگی بعد از تولد شروع می‌شود و همچنین عوامل روانی، فضا و جو روانی حاکم در خانواده و نحوه برخورد والدین با فرزندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.



چه فرودست مانده ایم، پای در زنجیر تاجر
 علم آموختن کجا و بازیچه ی طبیعت بودن کجا؟
 محروم مانده ایم، با ذهنی که حق پرورشش را نداریم
 تکلیف ما دست و پا زدن در ژرفنای حماقت است
 هر که از سایرین پیشی گیرد، محکوم است به سرکوب
 بال خیالش بریده میشود و قوه آرزویش کور
 دشمن هنوز چنان نیرومند است
 که ترس و نومیدی مجالی به جوانه امید نمی دهد.



لیدی وینچستری

آنی
 محمد

به نام خداوند بخشنده مهربان

مقدمه

به قلم آنتا-آرزومانیان

زندگی بشر از بدو خلقتش در این بیکران هستی با وجود ادبیات و منظومه کلمات معنا پیدا کرد و همچنین با توجه به جهانی شدن و افزایش ارتباطات مترجم با ترجمه متون از زبانی به زبان دیگر به عنوان میانجی فرهنگی باعث ایجاد دریچه ای نو به دنیای ناشناخته ها و باعث آشنایی ملت ها، فرهنگ ها، احساسات، تجربیات و تفکرات انسان ها با یکدیگر میشود. آنان زیبایی و عمق اثر را به تصویر کشیده و خواننده را به همذات پنداری و درک بهتر دنیای اطراف یاری میکنند.

در طول تاریخ همیشه افراد بسیاری آثار ارزشمندی خلق کردند و گروهی آنها را باز آفریده و ترجمه کردند.

در انتهای مصاحبه شما را با چند تن از مترجمان برجسته ارمنی ایرانی در طول ادوار آشنا خواهیم کرد و امروز نیز در حضور آقای ادوارد کشیشیان شاعر و مترجم ارمنی ایرانی هستیم.



با سلام و عرض ادب خدمت شما ،ممنون از اینکه دعوت ما را پذیرفتید لطفا در ابتدا خودتان را معرفی کنید و بفرمایید که از چه زمانی به شعر و هنر ترجمه علاقمند شدید؟

به نام خدایی که جان آفرید
سخن گفتن اندر زبان آفرید(سعدی)

با سلام و عرض خسته نباشید خدمت شما خانم آرزومانیان و ممنون از دعوتتان.

بنده ادوارت کشیشیان هشتم در تاریخ ۱۳۲۱/۱۰/۱۱ در شهر الیگودرز واقع در شرق استان لرستان متولد شدم.بنده از کودکی علاقه وافری به شعر و ادبیات داشتم و گاهی در خلوتم خودم سطوری میسراییدم تا اینکه گلستان سعدی مطالعه کردم و آن هم نه یکبار بلکه بارها و بارها و در همان زمان بود که شروع کردم به شعر سرودن ،البته اشعار هر کسی برای شخص خودش زیباست ولی مهم آن است که خوانندگان آن را زیبا بیندارند و سپس به ترجمه کتاب گلستان،خیام پرداخته و در حال حاضر هم مشغول ترجمه حافظ هستم که به یاری خداوند بتوانم به چاپ رسانده و در خدمت شما هنر دوستان قرار دهم.



این دنیا همانطور که میبیند سراسر پوچ است و نمی‌ارزد که آزرده شود.

۴- فرایند نوشتن شعر شما چگونه است؟ آیا روتین خاصی دارید یا از الهام های لحظه ای استفاده میکنید؟

مانند همه شاعران شعر خیلی از مواقع الهام میشود، پرنده الهام بالهایش را می‌گشاید و باران کلمات سرازیر میشود. خود جوش است و بیشتر برگرفته از سرگذشت خودم میباشد.

۵- شعر شما تحت تاثیر چه تجربیات یا احساساتی قرار دارد؟

اشعارم بیشتر از تجربیات و به طور کلی زندگی سخت و پر مشقتم میباشد که به صورت شعر در آورده ام.

۶- آیا موضوعات خاصی وجود دارند که در آثار شما بیشتر مورد توجه قرار میگیرند؟

دست مایه شعرهایم بیشتر پند و اندرز میباشد. احترام به پدر و مادر که در زمان پیری و ناتوانی همراه باشند که این احترام متاسفانه در زمانه امروز ضعیف گشته و گاهی میبینیم که وجود ندارد.

۲- شعر برای شما چه معنایی دارد و چه چیزهایی را میخواهید در شعر خود بیان کنید؟

شعر از دیدگاه من بیانگر احساسات درونی و افکار شاعر میباشد و والاترین و زیباترین هنر میباشد و البته مهمترین نکته برای شاعر درک شعر از سوی خواننده میباشد. من وقتی شعر میخوانم آنقدر در کلمات محو میشوم و در دنیای شاعر غرق که حضور آن ها در کنارم احساس کرده و صدایشان را میشنوم، صدایی زیبا و دلنواز.

۳- آیا شاعر خاصی وجود دارد که بر شما تاثیرگذار باشد؟ اگر بله چه ویژگی هایی از آثار آن شاعران شما را جذب کرده؟

به قطع سعدی، خیام، حافظ چرا که آنان همیشه چراغ راه بنده در طول فعالیت هنری ام بوده اند و صد البته آموخته ام که انسان بودن شرط اس تنه بزرگ نمایی

کتابهایی که ترجمه کردم از شعرای نامی گلستان سعدی و دیگری حافظ بوده است.

۱۱- به عنوان یک مترجم بزرگترین چالش ها و لذت های کار شما چیست؟
به نظرم درک و انتقال درست معانی به خواننده است.

۱۲- نقش ترجمه در گسترش ادبیات و فرهنگ را چگونه میبینید؟
ترجمه هنریست زیبا که باعث نزدیکی فرهنگ های مختلف و آشنایی با ارزشهای دیگر ملت ها میشود.

۱۳- آیا در حال حاضر پروژه یا کتاب خاصی در دست دارید که بخواهید در مورد آن صحبت کنید؟
بله کتاب حافظ که در پروسه ترجمه میباشد همچنین مجموعه اشعار بنده که به امید خدا به زودی در دسترس همگان قرار میگیرد.

۷- بیشتر چه سبک شعری را میپسندید؟ (غزل یا سپید)
بنده از نگاشتهگان شعرای عزیز دوست دارم "غزل را"

۸- شاعر به نظر شما چه کسی است؟
شاعر کسی ایست که شعر هایش بیان کننده عواطف و افکار مردم، و صد البته آموزنده و حرفی برای گفتن داشته باشد.

۹- چرا به ترجمه آثار ادبی علاقمند شدید؟
مخاطب اشعار و مشوق من در هنر ترجمه همسر عزیزم میباشد زمانی که بارها از او درخواست کردم که به اشعاری که مینویسم و میخوانم گوش دهد در پاسخ به من گفت: بنویس و بخوان اما این بار به زبان ارمنی برای مردم و ایچنین شروع کردم به ترجمه آثار سعدی.

۱۰- بیشتر اشعار چه شاعرانی را ترجمه کردید؟

۱۴- نکته ای که میخواهید به جوانان و علاقمندان به شعر ادبیات بگویید؟
 بسیار عالی است اگر جوانان به فرهنگ و ادبیات نگاهی بیاندازند و کمی
 تامل کنند. لذتی که در ادبیات وجود دارد در هیچ چیز یافت نمیشود.
 و این ادبیات است که راه انسانیت را برای ما میگذشاید و چراغ راه بشریت
 است. جوانان عزیز بی تفاوت نباشید بخوانید بخوانید بخوانید.

از شما برای وقتی که گذاشتید و برای صحبت هایتان سپاسگزارم.
 آیا نکته ای هست که بخوانید در پایان اضافه کنید؟



راهی طولانی و دراز
 پر پیچ و خم، پست و فراز
 مسافری خسته در راه
 در تابستان و در شتا
 به امید مقصدی نیک
 در آن کور راه باریک
 از فرط خستگی ها
 خار مگیلان و ریگها
 در زیر خورشید سوزان
 در میان کولاک لرزان ... ادوارد کشیشیان

با نهایت تشکر از دوشیزه آنی آرزومانیان .

ماسحیان در عرصه سیاست، فرهنگ و ادب پیشتاز بود به گواه صاحبنظران ترجمه‌های او از آثار شکسپیر به زبان ارمنی چنان دقیق صورت گرفته و خصلت شاعرانه و منظوم خود را حفظ کرده که همچنان منبعی برای محققان به حساب می‌آید.

هوسپ میرزایانس در زمان قاجارها چندین دوره نماینده ارمنیان در مجلس شورای ملی بود. وی رباعیات خیام، دو بیتی‌های باباطاهر و بخشی از شاهنامه فردوسی را به زبان ارمنی ترجمه کرده است.

هایک کاراکاش را ارمنیان بیشتر با روزنامه وراذنونند و مجله فکاهی بوبوخ می‌شناسند. وی به ترجمه آثاری از ادبیات ارمنی دست زد و نویسندگان بنام ارمنی، چون آلکساندر شیروان‌زاده، ناردوس و هوهانس تومانیان را به فارسی‌زبانان معرفی کرد.

ئورگ هوانسیان با نام ادبی دارفی، پدرش را، که از آزادی‌خواهان مشروطه بود، هرگز ندید و مادرش را نیز در یورش نژادپرستان حزب اتحاد و ترقی از دست داد. او نزد کشیشان لازاریست فرانسوی در تبریز آموزش دید. او نمایش‌نامه‌هایی به زبان فرانسوی و ارمنی نوشت و چند اثر از شکسپیر را ترجمه کرد. دو نمایش‌نامه سیاوش و سودابه و واهان و رزمدخت او، یکی از شاهنامه فردوسی و دیگری از تاریخ دوران ساسانیان است. این دو نمایش‌نامه با ترجمه آندرانیک خچومیان از ارمنی به فارسی برگردانده شده است.

آرا هوانسیان آثاری از تومانیان، شیروان‌زاده و ایسهاکیان را از ارمنی به فارسی و آثاری را از فارسی به ارمنی برگردانده است.

آقاسی هوانسیان، نویسنده و مترجم، چندین مجموعه داستان‌های کوتاه و سفرنامه‌هایی را به زبان ارمنی منتشر کرده و آثاری از نویسندگان ارمنی را به فارسی برگردانده است. وی روشنفکری با دید عمیق به مسائل اجتماعی بود که همواره از منابع فولکلور در نوشته‌های خود استفاده فراوان می‌کرد.

در آن زمان، استپانیان با نام مستعار سژان آثار خود را به چاپ می‌رساند اما کار مهم استپانیان نخست ترجمه دوره سه جلدی گذر از رنج‌ها اثر آلکسی تولستوی و سپس، ترجمه داستان‌های کوتاه و نمایش‌نامه‌های آنتون چخوف است.»

سخنران از دو مترجم دیگر زبان روسی، قازار سیمونیان و آلك قازاریان نام برد و گفت: در کارنامه قازار سیمونیان به تاراس بولبا اثر گوگول و آناکارینا اثر تولستوی بر می‌خوریم. آلك قازاریان نیز آثاری را از داستایوسکی، تورگنیف، چخوف و دیگر نویسندگان روس به فارسی برگردانده است.

آلك خاچادوریان در مجموعه‌همنامه اندوه و دو مجموعه‌همنامه، آختامار و آنوش آثاری از هوانس تومانیان و گروهی دیگر از شاعران ارمنی را به فارسی برگردانده است. منظومه ابوالعلاء معری از آودیک ایسهاکیان، سیامانتو و خجه زاره از هوانس شیراز و منظومه آوای خاموش نشدنی ناقوس از بارویر سواک از دیگر ترجمه‌های اوست.»





ویرجینیا وولف رمان‌نویس، مقاله‌نویس، منتقد، فمینیست و از زنان برجسته زمان خود بود که رمان‌های مهمی خلق کرده است. زندگی وولف فراز و نشیب بسیار داشت اما او از جوانی همواره رویای نویسندگی در سر داشت و به همین دلیل به دنبال استقلال مادی و معنوی بود. استقلالی که بعدها به شکلی جالب به دست می‌آورد. (در کتاب در این باره صحبت می‌کند.) وولف در طول زندگی بارها دچار بیماری روانی شد و نهایتاً در سال ۱۹۴۱ به زندگی خود پایان داد.

وولف درباره کتاب حاضر که در بستر بیماری در ذهن او شکل گرفت می‌نویسد:

با چنان سرعتی می‌نوشتم که وقتی قلم به دست می‌گرفتم مثل بطری آبی بودم که سر و ته شده باشد. با نهایت سرعتی که می‌توانستم می‌نوشتم؛ بیش از حد سریع، چون حالا برای تصحیح آن نوشته‌ها باید زحمت بکشم؛ اما این روش به آدم آزادی می‌دهد و اجازه می‌دهد از فکری به فکر دیگر بپرد.





برای ارسال آثار خود و همچنین داشتن مصاحبه
با مجله آنی با شماره واتساپ و تلگرام زیر
تماس حاصل فرمایید:

۰۹۲۲۳۷۸۹۱۸۰

ANI



Instagram: @anita_arzoomanian
t.me/ani_letters
www.ani_letters.com

